

از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید
جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای
اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور
ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی
گسترده ترو مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی
جامعه بمثابة قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل
و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت
حکومت اسلامی در ایران

- کنش های دامنه دار کارگران کیش چوب در اعتراض به عدم پرداخت 4 ماه حقوق وعیدی و بی خیالی مسئولان

- دوهفته جنگی بر ما چه گذشت!

شرایط جنگ فشار کاری مضاعفی را برای ما پرستاران و کادر درمان ایجاد کرد.

- نامه گلرخ ایرایی، ریحانه انصاری و وریشه مرادی از زندان قرچک: مسیر مبارزه همچنان ادامه دارد

- فریادی از دل زندان؛ روایت تلخ انتقال اجباری و شرایط غیرانسانی

- دفاع از حقوق کودکان، جرم نیست؛ در اعتراض به بازداشت حسین میربهراری

- حسین میربهراری از بنیانگذاران جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان است.

- آخرین خبر از علی یونسی

- احضار بختیار رضوانی به دادگاه انقلاب

- بیانیه ۱۲ ژوئن، روز جهانی مبارزه با کار کودکان؛ روز جهانی کارگران کودک گرامی باد !

***کنش های دامنه دارکارگران کیش چوب دراعتراض به عدم پرداخت 4 ماه حقوق وعیدی وبی خیالی مسئولان**

روز دوشنبه 9 تیر، کارگران کیش چوب در استان هرمزگان از کنش های دامنه دارشان دراعتراض به عدم پرداخت 4 ماه حقوق وعیدی وبی خیالی مسئولان، خبردادند.

آنها به خبرنگار رسانه ای گفتند: هم اکنون در کارخانه کیش چوب نزدیک به 120 کارگر به تولید صنعتی و انبوه سیستم های آشپزخانه، درهای ساختمانی، مبلمان خانگی و ... مشغول هستند. در این میان پرداخت حقوق اسفند ماه سال گذشته (1403) به همراه عیدی و حقوق فروردین، اردیبهشت و خرداد ماه سال جاری کارگران به تاخیر افتاده است.

کارگران این واحد مصنوعات چوبی، مرتباً پیگیر پرداخت حقوق خود هستند و از پیگیری های بی سرانجام برای کاهش مطالبات معوقه خود انتقاد دارند.

آنها افزودند: اغلب کارگران این کارخانه مهاجرند و برای کارگرانی که ممکن است تا ماه ها دور از محیط خانواده زندگی کنند، پرداخت کامل و به موقع دستمزد در کنار توجه به نیازهای روحی و جسمی آنها در ساعات حضور در کارگاه یا آسایشگاه بسیار حائز اهمیت است.

***دو هفته جنگی بر ما چه گذشت!**

شرایط جنگ فشار کاری مضاعفی را برای ما پرستاران و کادر درمان ایجاد کرد.

با شروع جنگ ۱۲ روزه و بمباران شهرها ما پرستاران و کادر درمان در بیمارستانها و مراکز درمانی بار سنگین بهداشت و درمان در شرایط جنگی را به دوش کشیدیم. در روزهایی که همه مردم برای نجات جان خود مناطق مختلف شهری را ترک میکردند، ما با همه نگرانی و دوری خانواده هایمان در محیط های ناایمن کاری مشغول به کار بودیم و شرایط پر استرس جنگ را در نفیر موشک و صداهای مهیب انفجاری به پیش بردیم.

تمام مرخصی هایمان لغو شد و گاهی در شیفت های پی در پی خدمت رسانی کردیم.

خانواده و فرزندانمان هم ناچار به تحمل شرایط کاری ما بودند.

گروه های امدادی از میان نیروهای بازنشسته بهداشت و درمان تشکیل شد و به صورت خودجوش در موارد لازم خدمت رسانی انجام گرفت.

جنگ انتخاب هیچ کدام از بخش های مردمی نبوده و نخواهد بود و ثروت و سرمایه موجود به جای رواج سیاست های جنگ افروزی باید برای بهبود و استانداردسازی ساختار ایمن و پایدار بهداشتی درمانی و بالاخص وضعیت صنفی_معیشتی ما پرستاران و کادر درمانی به عنوان سکاندار عرصه بهداشت و درمان قرار گیرد.

مقامات مسئول به جای تهیه امکانات و نیروهای کمکی در برخی از دانشگاهها از جمله در گیلان جلسات اضطراری تشکیل دادند تا فشار و تهدید بیشتری بر همکاران وارد آورده و مانع اعتراض آنها شوند .

ما پرستاران و کادر درمان، فشار بحران وضعیت جنگی را با حداقل امکانات به دوش کشیدیم ، اما مثل گذشته به جای تقدیر از زحمات بی دریغ ما، خبر پرونده سازی قضایی برای همکاران ما در مشهد بار دیگر ثابت کرد که حاکمان مافیای بهداشت هیچ ارزشی برای زحمات ما قائل نیستند و تلاش میکنند با پرونده سازی قضایی برای همکاران معترض مبارزات ما را به عقب برانند.

وضعیت جنگی و شرایط بحرانی نه تنها ما را از پیگیری خواسته های برحقمان بر حذر نمیدارد بلکه با عزمی راسخ تر اعلام میکنیم:

♦ رفتارهای سرکوبگرانه حاکم و پرونده سازی های قضایی فوراً باید پایان یابد و پرستاران اخراج و تبعید شده به کار بازگردند.

♦ اجرای قانون فوق العاده خاص با امتیاز حداکثری

تعرفه گذاری و ثبت در احکام حقوقی

♦ پیاده شدن قانون بازنشستگی قبل موعد

پرداخت به موقع رفاهیات و مناسبتی ها

♦ اجرای بدون تبعیض و کامل

قانون معافیت مالیات مشاغل سخت

تیر ماه ۱۴۰۴

شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران

***نامه گلرخ ایرایی، ریحانه انصاری و وریشه مرادی از زندان قرچک: مسیر مبارزه همچنان ادامه دارد**

رنج امروز خود را فراتر از آنچه بر مردم ایران تحمیل شد نمی دانیم. روز دوشنبه دوم تیر درحالی که بیش از سه هزار نفر در زندان اوین در بندهای مختلف پشت درهای بسته محبوس بودند، راکت های اسرائیل در محوطه زندان و بر ساختمان های اوین فرود آمدند. علاوه بر کشته شدگان از تعدادی از بازداشت شدگان که در سلول های انفرادی محبوس بودند نیز تاکنون خبری در دست نیست. ما زنان اوین صبح سه شنبه با اعمال محدودیت های شدید امنیتی به زندان قرچک ورامین منتقل و حدود سه هزار نفر مردان اوین نیز به زندان تهران بزرگ منتقل شدند. اگرچه نسبت به پیش از انتقال در شرایط نامساعدتری قرار گرفته ایم، اما همسو با رفقا و برادرانمان در زندان تهران بزرگ که همزمان با ما مورد حمله و اعمال فشار قرار گرفته اند، اعلام می کنیم شرایط فعلی خللی در مبارزاتمان ایجاد نخواهد کرد. چرا که می دانیم «این مسیری نیست که در آن بی مکافات به مقصد

رسید.» از زمان انقلاب مشروطه تاکنون، با بروز جنگ‌های متعدد، کودتای ضد‌مردمی، کشتار مردم بی‌دفاع و مخالفان سیاسی که به‌دست حکومت‌های استبدادی در یک قرن گذشته انجام شده و بسیاری فراز و فرودها که تاریخ بر آن گواه است، مسیر مبارزه همچنان ادامه دارد. ما امروز در زندان قرچک هستیم و در شرایطی قرار گرفته‌ایم که بیش از هزار زن با جرائم مختلف سال‌ها با آن مواجه و آن را زندگی کرده و می‌کنند. زنانی از اعماق با رنج‌هایی که در نهان‌خانه‌ی چشمان‌شان نقش بسته است و گویای پرسی‌های بیدادی است که برای درهم‌شکستن‌شان پا به مسیر امروز گذاشته‌ایم. پرت‌شدگانی در انتهای دنیا که در هیچ یک از معادلات زندگی و مناسبات خبری و موج‌های رسانه‌ای جایی ندارند و در گزارش‌های حقوق‌بشری، نامی و نشانی و ردی از رنج‌های‌شان دیده و شنیده نمی‌شود. آنچه در این چند روز ما را مبهوت کرده است حقیقت زندگی این زنان است. زنانی خمیده در تخت‌های کوتاه به ابعاد قبر، با حسرت برخورداریم از حداقل امکانات زیستی و بهداشتی. در میان دیوارهای چرکین و کبره‌بسته از کثافت سال‌ها زندگی مشقت‌بار، بسیاری‌شان بدون ریالی واریزی، برای پول سیگار روزانه خود را در اختیار هم‌بندیان قرار می‌دهند. برای بهره‌مندی از بهره‌مندی جنسی. و تن به هر حقارتی می‌دهند. برای سیر کردن شکم‌شان. و برای برخورداری از حداقل آنچه بر دل‌هاشان حسرت شده است. در بخش کارگری زندان مشغول به کار می‌شوند و در ازای ساعت‌ها کار سخت روزانه (از هل دادن گاری حمل غذا و زباله تا نظافت اتاق استراحت و کار زندان‌بانان) بدون دریافت مزد فقط از دقایقی زمان بیشتر برای تماس تلفنی برخورداری می‌شوند. در کارگاه زندان به بیگاری مشغول و به دوخت و دوز می‌پردازند تا از پاکتی سیگار در انتهای روز برخورداری شوند. زنانی که عموماً مانع از هم‌زیستی ما زندانیان سیاسی با آنان می‌شوند؛ مگر به قصد تنبیه و تبعیدمان به حکم قضایی. و حالا اگرچه در زندان قرچک و جدا از آنان اسکان داده شده‌ایم، اما مصائب‌مان جدا از آنان نیست. ما در کنار مبارزات خستگی‌ناپذیر مردم علیه دیکتاتوری، با اهدافی روشن و خطمشی محکم، مسیر مبارزه را تا سرنگونی و برچیدن هر شکلی از خودکامگی ادامه خواهیم داد. و در کنار این فراموش‌شدگان که از چرخه زندگی بیرون گذاشته شدند، با عزمی راسخ‌تر از پیش مقاومت را دوره می‌کنیم. و به آنانی که صدای‌شان برای ما و شرایط نامساعدمان بلند است، با صدایی رساتر می‌گوییم آنچه امروز بر ما تحمیل شد، فراتر از رنج سالیان این زنان نیست. پس برای بهبود شرایط «ما» بدون در نظر گرفتن جرائم‌مان و برای بهبود شرایط «ما» که به زندان قرچک و تهران بزرگ منتقل شده‌ایم، بدون در نظر گرفتن جنسیت‌مان تلاش کنید و بدانید آنان که در زیر آوار ناشی از حمله مفقود و آنانی که در چرخه بی‌رحم زندگی متروک شده‌اند، بر ما ارجح‌اند. باشد که حلقه‌ای باشیم در زنجیر مبارزات برابری‌طلبانه و آزادی‌خواهانه مردم ایران که بیش از یک قرن استبداد و استثمار را تاب آورده‌اند و به پیش می‌روند.

گلرخ ایرایی، ریحانه انصاری، وریشه مرادی،

#زندان_قرچک_ورامین

تیر ۱۴۰۴

***فریادی از دل زندان؛ روایت تلخ انتقال اجباری و شرایط غیرانسانی**

جنگ هرگز برای مردم بی‌دفاع نعمتی نبوده و نیست. آنچه به جا می‌گذارد چیزی جز ویرانی، مرگ و ناامیدی نیست؛ به‌ویژه زمانی که در زندان باشی و راهی برای حفظ جان خود نداشته باشی.

در روز موشکباران زندان اوین، حال و روز زندانیان بندهای مختلف بسیار وخیم بود. گارد زندان به جای کمک، با برخوردهای خشونت آمیز شرایط را برای زندانیان سخت تر کرد.

زندانهای بند زنان، بند ۴، بند ۸ و دیگر بندها، بدون اجازه برای برداشتن وسایل شخصی، با دستبند و پابند، همانند بردگان، شبانه به زندانهای قرچک و تهران بزرگ منتقل شدند.

شرایط در این دو زندان بسیار وخیم است. در تماسهای کوتاه، زندانیان از نبود بهداشت، کمبود آب آشامیدنی، و حتی نبود جای خواب مناسب گفته اند؛ به طوری که کف خواب هستند و به شکل کتابی کنار یکدیگر می خوابند.

خانواده های زندانیان ضمن محکوم کردن این حمله که به مرگ سربازان، زندانیان و حتی مردم حاضر در دادسرا منجر شد، خواهان رسیدگی فوری به وضعیت اسکان، تأمین امکانات بهداشتی و آزادی بی قید و شرط همه ی زندانیان سیاسی هستند.

ژاله روحزاد

همسر زندانی سیاسی اسماعیل گرامی

***دفاع از حقوق کودکان، جرم نیست؛ در اعتراض به بازداشت حسین میربهراری**

حسین میربهراری، از بنیانگذاران جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، یکی از چهره های تأثیرگذار و متعهد در عرصه ی دفاع از حقوق کودکان محروم و به حاشیه رانده شده است. او همواره با این باور عمیق زیسته و کنشگری کرده است که «جهانی شایسته ی کودکان، جهانی شایسته ی همگان است» جهانی فارغ از بهره کشی، تبعیض، جنگ و فقر. سالها تلاش بی وقفه ی او در کنار دیگر همراهان این جمعیت، صدای کودکانی شد که در سکوت ساختارهای سرکوبگر و نابرابر، نادیده گرفته می شوند. در پی حملات اخیر اسرائیل به غزه و افزایش سرکوب داخلی، حسین میربهراری نیز، همچون بسیاری از کنشگران اجتماعی و مدنی، بازداشت و روانه ی زندان شد. دستگیری او نه تنها حمله به یک فرد، که تلاشی ست برای خاموش کردن صدای اعتراض علیه کودک کشی، جنگ افروزی و بی عدالتی.

پن: شورای هماهنگی فرهنگیان ایران، با تأکید بر حق آزادی اندیشه، بیان و فعالیت مدنی، بازداشت حسین میربهراری را محکوم می کند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط او و تمامی فعالان سیاسی و اجتماعی است. این شورا بر این باور است که سرکوب صدای مدافعان زندگی، عدالت و کرامت انسانی، نه تنها آن ها را به سکوت وادار نخواهد کرد، بلکه عزم و اراده ی جمعی ما را برای ساختن جهانی انسانی تر، برابرتر و رها از سرکوب، استوارتر خواهد ساخت.

***حسین میربهراری از بنیانگذاران جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان است.**

او معتقد است، جهانی شایسته ی کودکان شایسته ی همگان خواهد بود. او برای این جهان مبارزه می کرد. در زمان حمله ی اسرائیل او نیز به مانند بسیاری از فعالین اجتماعی دستگیر و روانه ی زندان شد.

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان خواهان آزادی بدون قید و شرط و فوری تمام فعالین سیاسی و اجتماعی است.

***آخرین خبر از علی یونسی**

رضا یونسی خبری در شبکه ایکس در باره برادرش علی یونسی منتشر کرد:

"بعد از ۱۲ روز بی‌خبری، برادرم علی یونسی امروز بعد از ظهر تماس تلفنی کوتاهی با مادرم داشت. با تعدادی از زندانیان در بندی کوچک و امنیتی و تحت کنترل وزارت اطلاعات در #زندان_تهران_بزرگ است، در شرایط بسیار سخت و اسفناک از نظر بهداشتی و غذایی.

از همه دوستان و بزرگوارانی که در این چند روز صدای علی و همه زندانیان بودند، خیلی ممنونم."

***احضار بختیار رضوانی به دادگاه انقلاب**

بختیار رضوانی معلم و فعال صنفی استان کهگیلویه و بویراحمد به دادگاه انقلاب شهرستان گچساران احضار شد.

بر اساس ابلاغیه‌ای که برای این فعال صنفی معلمان صادر شده است، در تاریخ ۱۱ تیرماه، با اتهام تبلیغ علیه نظام باید در دادگاه انقلاب شهرستان گچساران حاضر شود.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن اعتراض به افزایش فشار بر فعالین صنفی معلمان، دفاع از معلمان و فعالین صنفی را از وظایف خود می‌داند و به مسئولان توصیه می‌کند که در این شرایط سخت و طاقت‌فرسا به جای پرونده‌سازی برای فعالان صنفی، به فکر چارمجویی برای رفع مشکلات مردم باشند.

بیانیه ۱۲ ژوئن، روز جهانی مبارزه با کار کودکان؛ روز جهانی کارگران کودک گرامی باد !

۱۲ ژوئن، روز جهانی مبارزه با کار کودکان نام گرفته است. این نامگذاری به پیشنهاد «سازمان جهانی کار» پس از مارش (۱) بزرگ و تاریخی کودکان کار سراسر جهان برمی‌گردد. در سال ۱۹۹۸ به ابتکار و تلاش مستمر فعالان لغو کار کودک در سراسر جهان و از جمله کایلاش ساتیراتی و احسان‌الله خان، از رهبران گلوبال مارش (۲) و از فعالان برجسته لغو کار مزدی کودکان، راهپیمایی سراسری سازماندهی شد. این راهپیمایی از ماه ژانویه در هندوستان شروع و در ماه ژوئن و در شهر ژنو ختم شد. ۲۵ کودک به نمایندگی از کودکان کار سراسر جهان که در این راهپیمایی ۸۰ هزار کیلومتری شرکت کرده بودند، در صحن علنی سازمان جهانی کار (آی ال او) با شعار «دیگر استثمار پس است» حضور یافتند و مقاله‌نامه‌ی (۳) ۱۸۲ را به‌منظور "لغو کارهای سخت و زیان‌آور برای کودکان" به تصویب سازمان جهانی کار رساندند.

اما چرا «آی ال او» به‌جای پاسخ درست به تقاضای صریح کودکان در مارش جهانی، که خواستار «پایان دادن به کار و استثمار کودکان» بودند، مقاله‌نامه ۱۸۲ را صادر می‌کند؟ !

دقیقا ۱۰ سال پس از تصویب پیمان نامه‌ی جهانی حقوق کودک؛ که در آن صراحتاً کار کودکان را ممنوع و خواهان لغو آن شده بود، تا این درجه نزول و تخفیف پیدا کرد؟! این سوال هر ناظر منصفی است که می‌بایست به آن پاسخ داد .

محتوای این مقاله‌نامه به «ممنوعیت کارهای سخت و زیان‌آور» بسنده می‌کند. حال آنکه این امر اجحاف در حق کودکان کار و نادرست است. به عبارتی، اساساً خواست و منافع عموم کودکان را تأمین نمی‌کند، چرا که هیچ کودکی، کار را به درجات سخت و سهل تقسیم نمی‌کند. کار عنصر ناچسب در زندگی کودک است که کودکی و - در ادامه - هستی‌اش را به تاراج می‌برد. فاکتور گرفتن از کل کار و محدود کردن آن به کارهای سخت و زیان‌آور همان نگاه سیستم و دولت‌هاست که تنها منافع و ثروت‌اندوزی را مبنا قرار داده و کودک و غیرکودک هم برایش فرقی ندارد. پیام کودکان کار و پیشروان لغو کار کودک کاملاً مشخص است :

"کار و بهره‌مندی از کودکان بس است ."

مواضع ما روشن است. هر انسانی که از حداقل مایحتاج زیستی محروم است، در رده‌ی فقر قرار دارد. کودکانی که از دسترسی به حداقل‌های کودکی محروم هستند در صف بالفعل یا بالقوه کودکان کار قرار می‌گیرند .

با وجود پیشرفت عظیم جوامع در حوزه‌ی علوم و فناوری، همچنین تولید ثروت و مواهبی معادل سه برابر نیاز جامعه، طمع و ولع سرمایه به سود و سودآوری بیشتر، مرزها و چارچوب‌های متعارف بشر متمدن را وقیحانه شکافته و تعرض خویش را به صفوف انباشته از نیروهای کار ارزان را وسیع و شدیدتر می‌کند .

از تعداد کودکان کار، کودکان فقر، بی‌مسکن، محروم از بهداشت و درمان، پناهجو و آواره و ...، آمار واقعی و مستند کمتر می‌توان یافت. چراکه؛ این آمارها همواره بیانگر عمق فجایع مناسبات حاکم است. اما یک آماری که سرمایه حاکم قادر به پنهان کردن آن نیست، میزان ثروت عظیمی است که حاصل دسترنج همه‌ی کارگران و زحمتکشان جهان بویژه کودکان که سهمی نزدیک به تولید ۳۹ درصد از همه تولیدات جهان است. برای اندازه‌گیری فاصله‌ی طبقاتی به این آمار دقت کنید: "ثروت ۵ میلیارد در جهان معادل دارائی ۵ میلیارد انسان بر کره زمین است!"؟ (به‌نقل از آکسفام)

این اعداد بیانگر عمق فاجعه در جهان امروز است. به این فجایع باید پایان داد. مواضع ما روشن است. هر انسانی که از حداقل مایحتاج زیستی محروم است، در رده‌ی فقر قرار دارد. کودکانی که از دسترسی به حداقل‌های کودکی محروم هستند در صف بالفعل یا بالقوه کودکان کار قرار می‌گیرند .

باید حق کودکی را با استفاده از تمام وسایل و امکانات ضروری به کرسی نشاند. ما نه از اقتصاد تقاضایی داریم و نه از دولت، زیرا همین نظام اقتصادی و دولت است که با حفظ قوانین و تأدیه هزاران راه و بیراه، در حفظ و بازتولید کار کودکان تلاش همه‌جانبه می‌کند تا میل سیری‌ناپذیر، حریصانه و جنون‌آمیزش به سودافزایی را به بهای تحمیل فقر و فلاکت، جنگ‌های خانمان‌سوز، آوارگی، بیماری، درد و رنج و گرسنگی ارضاء کند. به عبارتی برای لغو کار، استثمار و فقر کودکان، توسل به نظام اقتصادی و دولت‌های موجود رفتن به بیراه است .

ویژگی مهم روز جهانی مبارزه برای محو کار کودک؛ عدم به رسمیت شناسی مرزهای ملی و جغرافیایی در لغو کار کودک است. ما خواهان رفع تبعیض بر اقشار و تقسیم‌بندی‌های مختلف جمعیت بشری هستیم. ما برای رفع این تبعیض مبارزه می‌کنیم و این تقسیم‌بندی‌ها نقطه عزیمت یا پایه فعالیت ما را تشکیل نمی‌دهند. در این رابطه، هیچ مرز ملی و کشوری و هویتی را به رسمیت نمی‌شناسیم و آحاد ملی را در فعالیت‌مان نمی‌پذیریم.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

akhbarkargari2468@gmail.com